

۲۵ ویژگی یک مشاور حقوقی شایسته



پیام حقوق

گاهنامه انجمن علمی معارف اسلامی و حقوق

شماره چهارم - آبان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: انجمن علمی معارف اسلامی و حقوق

مدیر مسئول: مریم اعظم پور

سر دبیر: سارا ایزدی

هیئت تحریریه: مائده رضوی نژاد
حجت بنی اسدی، فاطمه رضایی، سارا ایزدی
مریم اعظم پور

طراحی صفحات: فرزانه قربانی

در این شماره میخوانید

۲	پرسش و پاسخ حقوقی حجت بنی اسدی
۴	۲۵ ویژگی یک وکیل و مشاور حقوقی مائده رضوی نژاد
۵	ازدواج با زنان مطلقه مائده رضوی نژاد
۶	معنی بعضی از اصطلاحات حقوقی مائده رضوی نژاد
۹	در دادگاه چطور رفتار کنیم مائده رضوی نژاد
۱۰	باورهای غلط حقوقی سارا ایزدی
۱۲	دانستی های حقوقی سارا ایزدی و فاطمه رضایی
۱۳	دلالتی و حق العمل کاری فاطمه رضایی
۱۴	سنگسار ثریا میم حجت بنی اسدی
۱۷	موارد که دختر برای ازدواج نیاز به اذن پدر و جد پدری ندارد مائده رضوی نژاد
۱۸	نفقه مائده رضوی نژاد
۱۹	آیا فیلم وصوت در اثبات دعاوی کیفری اعتبار دارند؟ مائده رضوی نژاد
۲۰	«وکیل پایه یک دادگستری یا کاسب پایه یک دادگستری» سارا ایزدی

پرسش و پاسخ حقوقی

نویسنده حجت بنی اسدی



پیام حقوقی

شماره ی ۴

آبان ۱۴۰۱

سوال:

فرق حکم طلاق با گواهی عدم امکان سازش چیست؟

پاسخ:

در طلاق دادگاه ناگزیر از رسیدگی ماهوی و ورود به موضوع احرار حقانیت خواهان است در حالیکه در موارد صدور گواهی عدم امکان سازش تصمیم دادگاه به منزله تأیید و شناسایی حق خواهان یا خواهانها در مراجعه به دفترخانه و اجرای صیغه

طلاق می باشد. لذا چنانچه زوج یا زوجین متقاضی طلاق بخواهند با اقامه دعوی بر علیه دیگری از دادگاه تقاضای صدور حکم مبنی بر محکومیت طرف مقابل به اجرای طلاق یا تسلیم شدن در قبال اجرای طلاق را بنمایند، این مفهوم اقامه دعوی بوده و محتاج به تقدیم دادخواست می باشد. مثلاً در طلاق درخواستی از ناحیه زوجه به واسطه عدم تحقق شروط ضمن عقد نکاح یا عسر و حرج زوجه، دادگاه بایستی احرار حقانیت ادعا را بنماید، تا بتواند بر مبنای آن حکم به استحقاق زوجه نسبت به حضور در دفترخانه و اجرای صیغه طلاق از طرف زوج (در حق طلاق ناشی از عدم تحقق شروط ضمن عقد نکاح) یا الزام زوج به حضور در دفترخانه و اجرای صیغه طلاق و یا در صورت امتناع زوج، اعزام نماینده حاکم به دفترخانه در جهت اجرای صیغه طلاق از طرف زوج ممتنع، صادر نماید، حال آنکه وقتی خواسته، صرفاً تصدیق امری باشد (نه اقامه دعوی بر علیه دیگری) باید مراجعه به دادگاه صرف درخواست باشد. (هر چند در فرم دادخواست تنظیم و تقدیم می شود.) مثلاً در طلاق توافقی هیچ یک از زوجین در شرایط و چگونگی بروز طلاق اختلافی ندارند و فقط از دادگاه می خواهند که حق آنها را در مراجعه به دفترخانه رسمی طلاق و اجرای صیغه طلاق تأیید نماید. یا در طلاق به درخواست زوج، دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش، نسبت به شناسایی حق زوج در مراجعه به دفترخانه و اجرای صیغه طلاق اقدام می کند. حالات فوق نیاز به دعوت از طرفین، تعیین وقت رسیدگی و رسیدگی به اختلاف در جلسه دادگاه ندارد.

در خصوص طلاقی که متقاضی آن صرفاً زوج است با تعیین وقت رسیدگی، زوجه جهت شرکت در جلسه دادگاه احضار می شود و حضور زوجه صرفاً جهت اعلام این دو مطلب به دادگاه است الف) آیا با طلاق موافق است یا خیر؟ ب) آیا حق و حقوق خویش از جمله: نفقه ایام عده، اجرت المثل ایام زناشویی را می خواهد یا خیر؟ توضیح اینکه موافقت یا مخالفت زوجه تأثیری در تصمیم دادگاه در صدور گواهی عدم امکان سازش نداشته و عدم حضور زوجه در جلسه دادگاه مانع صدور گواهی عدم امکان سازش توسط دادگاه نمی باشد. همچنین در خصوص رویه دادگاههای خانواده در طلاق با توافق طرفین، بدون تعیین وقت رسیدگی قبلی (با توجه به حضور طرفین) دادگاه با اخذ توافقتنامه کتبی طرفین در مورد مهریه، نفقه، حضانت فرزندان مشترک، جهیزیه به هر کدام تفهیم می نماید ظرف مدت بیست روز داور خود را به دادگاه معرفی نمایند و در اکثریت قریب به اتفاق موارد، زوجین راضی به طلاق، هر یک شخصی را به عنوان داور آماده و حاضر کرده و حتی نظریه داور نیز پیوست توافقتنامه است و دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش و ابلاغ حضوری آن به طرفین در همان مراجعه اول زوجین، مجوز طلاق را صادر می نماید بنابر این می توان گفت: در طلاق توافقی و طلاق به درخواست زوج دادگاه اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش و تأیید حق اجرای صیغه طلاق کرده و در طلاق به درخواست زوجه که محتاج ورود به ماهیت دعوی و اثبات و احرار حقانیت خواهان است، دادگاه حکم طلاق صادر می نماید.

سوال:

اگر پدری قبل از فوت خانه ای را به نام یکی از پسرانش بزند سپس بعد فوت در وصیت آن مال انتقالی که قبل از فوت به پسرش داده شده است را باز هم در وصیت قید نماید. آیا در این صورت مالیات بر آن مال (ارث) پرداختش به عهده کلیه فرزندان است؟

پاسخ:

خیر با توجه به انتقال ملک بنام یکی از فرزندان این بخش جزء ترکه محسوب نمی شود و لذا وصیت و نیز مالیات بر ارث شامل ملک مزبور نمی شود.

سوال:

اگر شخصی مال مسروقه ای را با علم و آگاهی برای بار اول خریدار نماید آیا جرم هست یا خیر؟ مجازاتش چیست؟

پاسخ:

مطابق ماه ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده است، آنرا به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد، به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

سوال:

به رای هیئت های حل اختلاف وزارت کار اعتراض دارم، کجا باید شکایت کنم؟

پاسخ:

شکایت در هیئت های حل اختلاف وزارت کار دو مرحله ای است. در مرحله بدوی چنانچه نسبت به رای هیئت تشخیص (بدوی) معترض باشید، باید اعتراض خود را ظرف حداکثر ۱۵ روز برای بررسی در هیئت حل اختلاف یا تجدیدنظر ارائه کنید. در غیر این صورت رای هیئت تشخیص قطعی تلقی می شود. در صورت ارجاع موضوع به هیئت حل اختلاف (تجدیدنظر) و صدور

سوال:

مالک ملکی هستم که فقط قولنامه آن در دست من است و سند دست همسرم می باشد که ۳ سال است از هم جدا شده ایم و زیر بار تحویل دادن سند نمی رود. مراحل قانونی گرفتن سند به چه صورت می باشد؟

پاسخ:

در دست نداشتن سند ملک، به معنای عدم مالکیت یا از بین رفتن حقوق ناشی از آن نخواهد بود، چه اینکه نام شما به عنوان مالک ملک در دفتر ثبت اسناد و املاک به ثبت رسیده است.

شما هم امکان طرح دعوا علیه همسرتان مبنی بر استرداد سند خواهید داشت و هم می توانید اقدام برای گرفتن سند جدید از ثبت نمایید و نیازی به اعطای وکالت در این مورد نمی باشد، در مورد اینکه ملک در حال حاضر در تصرف کیست فرض سوال مسکوت می باشد؛ اما به طور کلی باید گفت امکان طرح دعوای تصرف عدوانی و یا خلع ید حسب مورد ممکن می باشد.

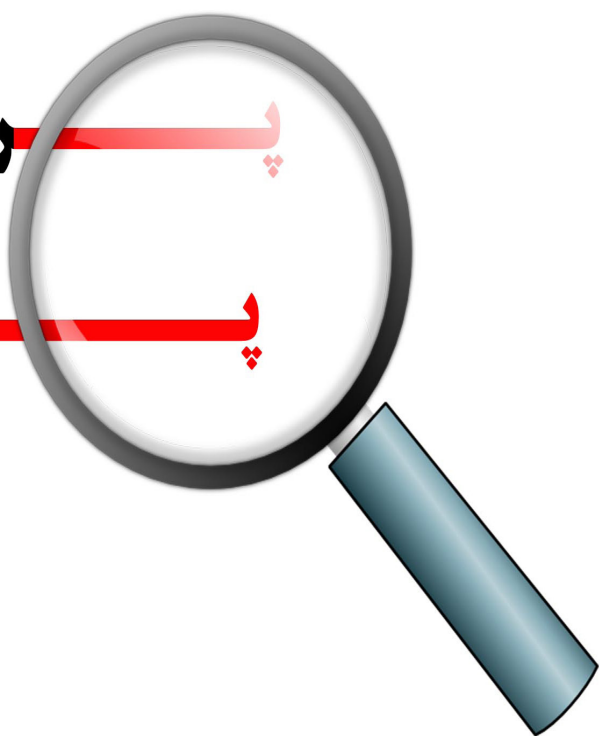
سوال:

اگر قسمتی از ملکی بعنوان هدیه به همسر بنام کرده باشم بعدا میتوانم بعنوان مهریه در صورت مطالبه مهریه توسط همسر حساب کرد؟

پاسخ:

خیر نمی توانید ملک فوق را به ازاء مهریه در نظر بگیرید، مگر اینکه نوشته ای محکمه پسند از زوجه مبنی بر این امر داشته باشید و یا اینکه ایشان خودش اقرار نماید که ملک فوق را به ازاء بخشی از مهریه دریافت کرده است.

پرسش و پاسخ



”۲۵ ویژگی یک وکیل و مشاور حقوقی شایسته“

نویسنده: مائدمرضوی نژاد

۱۸- به طور مستقیم یا غیر مستقیم، جهت تطویل دادرسی و محاکمه، به وسایل خدعه‌آمیز متوسل نشود.

۱۹- به طور منظم و مستمر، و در ساعات مشخص، در محل کار خود، جهت پاسخ‌گویی به مراجعان، ”حضور فیزیکی“ داشته باشد.

۲۰- از جستجوی موکل؛ به ویژه در مجامع عمومی، و به طرق نامتعارف، بپرهیزد.

۲۱- از سخت‌گیری بیش از حد، برای دریافت حق الوکاله بپرهیزد. و در مواردی، اگر لازم شد، با حق الوکاله قلیل، و حتی، رایگان وکالت کند.

۲۲- از طریق انجام فعالیت‌های ورزشی و فکری، همواره ”سلامت جسمی و روانی“ خود را، حفظ کند.

۲۳- وقت‌شناس ”بوده، و دادخواست‌ها، لوایح، اسناد و مدارک مربوط به پرونده را، به موقع آماده کرده، و به مراجع ذی‌صلاح تقدیم کند.

۲۴- شغل شریف وکالت را به عنوان ”تجارتی“ تلقی نکرده، و آن را تا حد ”حق‌العمل‌کاری“، و یا ”دلالتی“، تنزل ندهد.

۲۵- اسراری را که به واسطه‌ی وکالت از طرف موکل مطلع شده، و نیز ”اسرار مربوط به حیثیات، شرافت، و اعتبارات موکل“ را حفظ کند.

و مهربانی، بی‌تکلفی و تربیت عالی“ بهره‌مند باشد.

۱۲- به اهمیت شغل وکالت آگاه بوده؛ و به یاد داشته باشد که، مسئولیت جان، مال، و حتی، آبروی مردم را به عهده می‌گیرد.

۱۳- در برابر افرادی که، از وی یاری خواسته‌اند؛ همیشه و در تمام شرایط، ”اعتدال و بی‌غرضی“ را عملاً نشان دهد.

۱۴- به تمام ”نکات باریک و پیچیده‌ی قضایی“، تسلط داشته، و علم حقوق را عصای دست خود بداند.



۱۵- دارای ”فرهنگ عمیق، و شناخت دقیق، و همه‌جانبه“ از مسائل روز جامعه باشد. و به تمامی امور، اهمیت بدهد.

۱۶- در مذاکرات شفاهی در دادگاه، و لوایح کتبی، ”احترام و نزاکت“ را نسبت به مقامات قضایی و اداری، و نیز نسبت به وکلاء و اصحاب دعوا رعایت کند.

۱۷- تحت هیچ شرایطی، ”عزت نفس“ خود را زیر سوال نبرد. و به تعبیری، برای این که، مورد احترام قرار بگیرد، از طرف مقابل، التماس احترام نداشته باشد.

۱- دارای تحصیلات کافی در ”علم حقوق“ باشد.

۲- دارای اطلاعات و معلومات کافی در ”علوم مرتبط“، از قبیل: ادبیات، فلسفه، منطق، اخلاق، فقه و اصول، تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علم اقتصاد، و ... باشد.

۳- به آداب و فنون ”خطابه و سخنوری“، آشنایی داشته باشد.

۴- به شغل وکالت، ”عشق و علاقه“ داشته، و آن را واقعا، دوست بدارد.

۵- در مطالعات حقوقی و قضایی، مداومت داشته، و معلومات خود را با شیوه‌ی منطقی، همواره توسعه بدهد.

۶- همیشه، در جریان ”پیشرفت‌های علم حقوق“، به ویژه امور قانون‌گذاری، و رویه‌های قضایی باشد.

۷- در حد اعلای ”شرف، تقوا، درست‌کاری، و پرهیزگاری“ باشد.

۸- در گفتار خود، همواره ”دقیق، ساده، صدیق، با علاقه، و با حرارت“ باشد.

۹- در مکاتبات خود، همواره از بیان طولانی، مفصل، و نیز تکرار کلام اجتناب ورزد.

۱۰- در شغل خود، ”پشتکار“ داشته، و آن را با سرسختی و پا برجایی توأم سازد.

۱۱- از ”بیان شیوا و آسان، حافظه‌ی خوب، نفوذ و تأثیر در برخورد، و دل‌نشینی در آهنگ صدا، اندیشه‌ی روشن، دل‌پذیری

بیان حقوق

شماره ۴

آبان ۱۴۰۱

نظرات مختلفی درباره ازدواج با دختران و پسرانی که یکبار طعم طلاق را چشیده اند وجود دارد اما باید در این زمینه به چند نکته مهم توجه کنیم.

۱- تحقیق در این نوع از ازدواج ها باید چند برابر و با دقت بیشتر باشد.

۲- باید از دو طرف طلاق تحقیق کاملی صورت بگیرد درباره اینکه چرا طلاق اتفاق افتاده است.

۳- از افرادی که در این ماجرا ذی نفع نبوده و از همه ماجرا هم خبر دارند نیز تحقیق جامعی صورت بگیرد.

۴- باید پیش فرض خودمان را کنار بگذاریم یعنی اگر به خواستگاری دختری رفته ایم که در دوران عقد موقت پیش از عروسی طلاق گرفته است نباید به دید آدم خطاکار به او بنگریم.

۵- گاهی اوقات دو طرف طلاق، انسان های خوبی هستند ولی برای زندگی مشترک ساخته نشده اند. پس به آنها تهمت نزنیم.

۶- در اینگونه از ازدواج ها اصلا عجله ای نکنید.

۷- متأسفانه در جامعه ما وقتی خواستگار می فهمد دختر یا پسر قبلاً طلاق گرفته اند، منصرف می شود. این نهایت ظلم به یک انسان است. ابتدا تحقیق کنیم و مشورت بعد قضاوت کنیم.

۸- شاید این طلاق زمانی اتفاق افتاده است که طرف طلاق تمام تلاش خود را کرده است. یعنی برای اینکه زندگی اش را نجات دهد ایثار و گذشت کرده و برای اصلاح طرف مقابل تمام تلاش خود را کرده و مشورت هم گرفته است و پس از گذراندن تمامی این مراحل راهی جز طلاق برایش نمانده است. پس هر آنچه برای خودتان می پسندید برای طرف مقابل هم بپسندید.



معنی_ بعضی_ از_ اصطلاحات_ حقوقی

نویسنده مائده رضوی نژاد

خيار

تسلط بر از بین بردن اثر حاصل از عقد را گویند. خيار ممکن است ناشی از توافق و تراضی طرفین باشد مانند خيار شرط در عقد بيع که به موجب آن شرط می شود که در مدت معینی برای خریدار یا فروشنده یا هر دو یا نفر سومی اختیار فسخ معامله باشد و یا ممکن است خيار ناشی از حکم قانون باشد مانند خيار مجلس که به موجب آن مادام که مجلس عقد به هم نخورده طرفین حق بر هم زدن معامله را دارند

اقاله

به هم زدن عقد غیر قابل فسخ را با تراضی طرفین عقد گویند.

اقرار

اگر شخصی خبری را اعلام کند که مفاد آن بر ضرر خودش و به نفع دیگری باشد اقرار نام دارد. به شخصی که اقرار می کند مقرر گویند. اگر مفاد این خبر به نفع خودش و به ضرر دیگری باشد ادعا و اگر به نفع دیگری و به ضرر شخص ثالثی باشد شهادت نام دارد.

اهلیت

صفت کسی است که دارای جنون، سفه، صغری سن، ورشکستگی و سایر موانع محرومیت از حقوق نباشد

التزام

تعهد کردن گاهی در قرار دادها وجهی به عنوان وجه التزام آورده می شود که به منظور تامین خسارت عدم انجام تعهد یا تاخیر آن مقرر می شود که به آن تعهد قراردادی هم می گویند

ترک انفاق

ندادن خرج و مخارج اشخاص واجب النفقه در صورت داشتن استطاعت را گویند. در مورد زن اگر شوهر استطاعت نداشته باشد زن از او تمکین کند و در عین حال شوهر نه او را طلاق دهد و نه نفقه را بپردازد جرم ترک انفاق محقق می شود

خبره

کسانی که در موضوعی دارای آگاهی و اطلاعات خاص بوده و همانند یک کارشناس قادر به اظهار نظرند

تامین دلیل

صورت برداری دادگاه از دلایل اثبات دعوی قبل از طرح واقعه دعوی به منظور جلوگیری از زوال و از بین رفتن دلایل است که به در خواست خواهان به عمل می آید
برای مثال برای بررسی میزان پیشرفت کار ساختمان دز زمانی پی کنی و عدم انجام به موقع آن از سوی پیمانکار، کارفرما می تواند با تامین دلیل آن را برای آینده حفظ کرده و برای مطالبه خسارت استناد کند

بیعانه

مقداری از بهای معامله است که از بابت اطمینان فروشنده از طرف خریدار به او پرداخت می شود

تصرف عدوانی

تصرفی است که بدون رضای مالک مال غیر منقول از طرف کسی صورت گرفته باشد. در معنی عام کلمه تصرف عدوانی عبارت است از خارج شدن مال از استیلا و تصرف مالک آن مال بدون رضایت اش

تجری

اقدام به عملی که جرم است از روی عمد و علم به معنی تمرد نیز می باشد

حجر

نداشتن صلاحیت در دارا شدن حق یا اعمال حق را گویند مانند اینکه شخص دیوانه معامله اش بواسطه عدم اهلیت و داشتن حجر باطل است به این گونه که اشخاص محجور گفته میشود، مواردی که موجب حجر شود عبارتند از: کودکی، جنون، ورشکستگی برای تاجر، سفاهت

تجاهر

علنی و آشکار



در دادگاه چگونه رفتار کنیم؟؟

نویسنده: مائده رضوی نژاد

سوالات خود را از هر اتاق دادگاه نپرسید، زیرا وقتی به یک ساختمان قضایی رجوع کنیم هر کدام از آنها اتاق اطلاعات دارند در این صورت کارمندان و کارکنان را خسته نمی کنید.

با کارکنانی که در دادگاه مشغول به کار هستند باتندی و زبان تلخ صحبت نکنید.

برای رفتن به دادگاه ها تلفن خود را خاموش کرده و در راهروهای دادگاه با تلفن همراه صحبت نکنید.

وقتی در سالن انتظار هستید به توصیه های دیگران گوش نکنید چرا که در قالب قانون ممکن است که از شما سوء استفاده کنند.

بدون اجازه قاضی وارد اتاق او نشوید. همچنین صحبت های طرف مقابل خودتان را قطع نکنید به هیچکس بی احترامی نکنید و سعی کنید که فقط از خود دفاع کنید.

درب اتاق قاضی را نیمه باز نگذارید و از لای درب اتاق قاضی را نگاه نکنید. در اتاق قاضی و یا بیرون از اتاق قاضی تجمع نکنید.

با اشاره و تکان دادن سر، منشی، قاضی و یا افراد دیگر را به بیرون فرا نخوانید که این عمل قاضی را بسیار عصبانی می کند. عمل صحیح این است که شما با اجازه قاضی از او بخواهید که با منشی او قصد صحبت کردن دارید.

هیچ وقت دنبال این که بستگان قاضی را پیدا کنید و از طریق آن ها حرف های تان را به قاضی برسانید نباشید زیرا این عمل بسیار زشت می باشد.

از اینکه قاضی را در سالن ببینید و از او در مورد پرونده خود سوال کنید بپرهیزید، اجازه دهید قاضی و کارمندان به اتاق خود برگردند و بعد از آن از آنها سوال کنید.

هراقدامی که قاضی انجام می دهد و یا هر رأیی که می دهد بر اساس قانون می باشد نیاز نیست دلیل آن را برای شما بازگو کند.



با کسی که در

مورد قاضی با شما صحبت می کند و از قاضی بدگویی می کند صحبت نکنید زیرا این کار باعث ذهنیت منفی از قاضی در ذهن شما می گردد.

این قضیه که قاضی صبور می باشد درست است اما امکان دارد که قبل از شما با اشخاص دیگری درگیر شده باشد و یا آن را عصبانی کرده باشند در این صورت لحظه ای سکوت کنید و بعد خواسته خود را بیان کنید.

تا جایی که امکان دارد سلام کسی را به قاضی نرسانید چون این قضیه ایجاد بار منفی در ذهن قاضی می کند.

ممکن است که به صورت تصادفی قاضی پرونده در محل شما زندگی کند و یا یکی از دوستان دوران کودکی شما باشد که در این صورت صدا کردن او به اسم کوچک کار قشنگی نمی باشد.

اگر که قصد این را دارید که از کسی شکایت کنید باید در زمانی که شکایت را مطرح می کنید، مبلغ هزینه دادرسی را هم پرداخت کنید.

اگر یک زمانی پرونده شما به طول انجامید این را بدانید که در پاسخگویی به قاضی تاخیر کرده اند؛ به عنوان مثال قاضی از کارشناس یا پزشکی قانونی جوابی را خواسته ولی هنوز به دست قاضی نرسیده است.

شهادت دادن بستگان، در پرونده مورد نظر چندان تاثیری ندارد مگر قاضی آنها را احضار کرده باشد.

این را باید بدانید که مقاماتی که در دادسرا مشغول به کار هستند عبارتند از: دادستان، معاون دادستان، بازپرس، دادیار و مقامات قضایی دادگاه هم عبارتند از: رئیس دادگاه، دادرس دادگاه، مستشار یا مشاور دادگاه.

اگر بخواهید از کسی شکایت کنید باید مدارک و ادله کافی داشته باشید به همین دلیل قاضی نمی تواند به درستی رای را برای شما صادر کند

باور های غلط حقوقی

نویسنده **سارا ایزدی**

در حال حاضر با توجه به گستردگی جامعه بشری و با توجه به کسب و کار ها و معاملات و آداب معاشرت و فراوانی و تنوع در سبک زندگی و آداب رسوم هر قشری از جامعه طبیعتا اختلاف نظر و سلیقه در تمامی زمینه های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی به وجود خواهد آمد.
لذا پیشنهاد می شود با مطالعه و مشاوره در زمینه های حقوقی به درستی موضوع برسید تا در سردرگمی موضوعات حقوقی حقتان تضییع نشود.

از طرف زن و مهریه، موضوع پرداخت طلب زن در دادگاه مورد توجه قرار می گیرد، حتی اگر هنوز زندگی مشترک را شروع نکرده باشند. اگر زن بتواند دلایلی ارائه دهد که مورد قبول دادگاه باشد، نصف مهریه به زن پرداخت می شود، البته به شرطی که زن باکره باشد، وگرنه در صورت نزدیکی در دوران عقد تمام صدق تعلق خواهد گرفت.

پس همچنین باوری که اگر درخواست طلاق از طرف زن باشد به او مهریه تعلق نمی گیرد غلط می باشد و در هر حالتی مهریه حق زن می باشد و به او تعلق خواهد گرفت.

اگر از کسی شکایت کنید و نتوانید آن را اثبات کنید، طرف مقابل اعاده حیثیت می کند و شما محکوم می شوید. این باور غلط است.

دادگاه محل تظلم خواهی و رسیدگی به شکایات است. حق شما طرح شکایت و وظیفه دادگاه بررسی آن است. عدم اثبات، مسئولیت کیفری برای شما نمی آورد.

پدر و مادر می توانند فرزند خود را از ارث محروم کنند.

خیر، هیچکس نمی تواند وارث خود را از ارث محروم کند. وصیت نامه متوفی نیز فقط در مورد یک سوم میراث معتبر است تنها وارثی که مورث خود را به قتل برساند از ارث محروم می شود.

اگر گواهی نامه رانندگی نداشته باشید و بر اثر تصادف باعث مرگ کسی شوید مرتکب قتل عمد شده اید.

ابدا این طور نیست. رانندگی بدون گواهی نامه تخلفی جداگانه است. اگر بدون گواهی نامه باعث تصادف منجر به مرگ شوید علاوه بر پرداخت دیه به حداکثر دو سال حبس محکوم می شوید. تصادف منجر به مرگ حتی اگر گواهی نامه داشته باشید هم علاوه بر دیه بین شش ماه تا دو سال بسته به تشخیص قاضی زندان در پی خواهد داشت.

دیه ماه های حرام دو برابر است.

این شایعه هم صحت ندارد. در ماه های حرام دیه فقط یک سوم بیشتر از سایر ماه ها است. ماه های حرام عبارتند از: ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب ماه صفر برخلاف باور غلط عمومی عده ی زیادی از مردم ماه حرام نیست.

زیرا نمی توان به محض تشکیل پرونده و شکایت تعقیب شخص مقابل شروع شود پس باید برای گفته های خود دلیل و مدرک داشته باشید.

اگر به دادگاه می روید باید شماره پرونده خود را حفظ کنید و یا آن را یادداشت کنید زیرا در مراحل بعدی پیدا کردن پرونده شما بدون شماره پرونده مشکل و دشوار می باشد.

به موقع و سر وقت رسیدن در دادگاه بسیار مهم می باشد؛ زیرا بعد از شما، زمان رسیدگی به پرونده دیگری می باشد.

گاهی قاضی پرونده خارج از نوبت دفتر، وقت رسیدگی می دهد که در این مواقع باید از خود قاضی یا وکیل سوال کرد.

در وقت قانونی و اداری می توانید از کارمندان سوال کنید و در غیر این صورت آنها وظیفه برای پاسخ دادن به این سوالات ندارند.

درخواست هایی که از قاضی دارید باید به صورت کتبی باشد.

هیچگاه فرزندان کوچک خود را به دادگاه نبرید.

پیام حقوق

شماره ی ۴

آبان ۱۴۰۱

زن خیانت کند مهریه تعلق نمی گیرد.

در جواب به این شایعه حقوقی باید گفت که زمانی که عقد نکاح بین زوجین برقرار شده باشد، زن مالک مهریه است و حق مهریه به او تعلق می گیرد. بنابراین اگر حتی زن خیانت کرده باشد و رابطه نامشروع داشته باشد، مرد می تواند از زن خود در این مورد شکایت کیفری کند. اما حق مهریه زن خیانتکار هم چنان سر جایش است و اگر زن مهریه اش را مطالبه کند، مرد وظیفه دارد که مهریه را پرداخت کند. بنابراین برقراری رابطه نامشروع و خیانت زن باعث از بین رفتن حق مهریه زن نمی شود، چون حق مهریه برای زن در زمان عقد نکاح واقع شده است و در همان زمان مرد موظف به پرداخت آن شده است. **البته اگر مرد متوجه خیانت زن شود و بخواهد از زن شکایت کند، زوجین می توانند با طلاق توافقی شرط کنند که در صورت شکایت نکردن مرد از زن خیانتکار، زن نیز مهریه خود را به صورت تمام و کمال به مرد ببخشد.** در جمع بندی کلی در مورد این موضوع باید گفت مهریه حق قطعی و مسلم زن می باشد و هر وقت و زمانی مطالبه نماید باید پرداخت شود. و این شایعه هم که زن خیانت کند مهریه به او تعلق نمی گیرد رد می شود.

زن حامله باشد نمی تواند طلاق بگیرد

دادخواست طلاق توافقی از سوی زن حامله و غیر حامله تفاوتی نمی کند و شرایطی که درباره درخواست طلاق این دو وجود دارد کاملاً یکسان می باشد.

طرفین می توانند درخواست طلاق توافقی را به دادگاه ارائه بدهند تنها موضوعی که باید تکلیف آن در این میان مشخص شود، شیوه وضع حمل و هزینه های زن حامله و هم چنین فرزند می باشد. بنابراین در طلاق توافقی طریقه وضع حمل و هزینه های زن حامله و هزینه های زایمان باید مشخص شود. عده مدت زمانی است که زن بعد از انحلال ازدواج حق ازدواج دوباره را ندارد و با توجه به این که شوهرش فوت کرده باشد یا طلاق بگیرد و مدت آن متفاوت است.

در ازدواج دائم و موقت، عده زن باردار زمان وضع حمل او می باشد و در این میان فرقی نمی کند که جنین، زنده یا مرده به دنیا آمده باشد و تفاوتی نمی کند که از زمان طلاق مدت کوتاهی گذشته باشد یا مدت طولانی. **ذکر این نکته در اینجا ضروری به نظر می رسد که در صورتی عده زن حامله با وضع حمل پایان پیدا می کند که حاملگی از طریق ازدواج صحیح یا شبهه باشد.**

یعنی اگر زنی از طریق زنا حامله شده باشد، حکم متفاوت است و زمان پایان عده او زمان وضع حمل نمی باشد بلکه گذشتن مدت سه ماه می باشد زیرا بنابر عقیده فقها نطفه ای که از زنا ایجاد شده باشد احترامی ندارد. پس این موضوع که زن حامله نمی تواند طلاق بگیرد را به طور کلی فراموش کنید همچنین موردی با توجه به این که در ذهن عامه مردم نقش بسته است غلط می باشد.

بعد از طلاق حضانت بچه با پدر است

زن و مردی که از هم طلاق می گیرند، ممکن است فرزند یا فرزندی داشته باشند که باید از آن ها مواظبت کنند. حضانت هم حق و هم تکلیف هر دوی والدین است و هیچ کدام از آن ها نمی توانند از این تکلیف خود سر باز بزنند و در صورتی که از انجام این تکلیف شانه خالی کنند، دادگاه می تواند آن ها را ملزم کند. حضانت فرزند بعد از طلاق با توجه به سن او مشخص می شود طبق قانون مدنی: برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوی او جدا از یکدیگر زندگی می کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می باشد. بنابراین همان گونه که ملاحظه می شود، بعد از طلاق والدین، حق حضانت فرزند تا پایان هفت سالگی با مادر خواهد بود و پس از آن، تا سن بلوغ حضانت به عهده پدر قرار خواهد گرفت. بعد از این که بچه بالغ، و از سنین طفولیت خارج شد، تصمیم این که با چه کسی زندگی کند با خود او است که این سن بلوغ برای دختران نه سال و پسران پانزده سال قمری است و در این جا باید مجدد گوش زد کرد که این باور که بعد از طلاق حضانت با پدر می باشد غلط است و قانون حق نگهداری از فرزندان را مساوی می داند و والدین هر دو در این امر سهیم می باشند.

اگر طلاق از طرف زن باشد مهریه تعلق نمی گیرد

مهریه حق زن است و اگر درخواست طلاق از طرف زن و مهریه در دادگاه مطرح شود، دلایل نپرداختن این حق باید به اثبات برسد. قانون حتی در شرایطی که زن مرتکب خیانت و روابط نامشروع شده، مجرم شناخته شود و یا حتی در مواردی که ناشزه است و از شوهر تمکین نمی کند، او را مستحق دریافت مهریه می داند. به طور کلی در دو حالت صدق تعلق نمی گیرد بر اساس ماده ۱۰۸۹ قانون مدنی در صورتی که عقد باطل بوده و نزدیکی صورت نگرفته باشد، و هم چنین در موردی که عقد فسخ شود و نزدیکی هم انجام نشده باشد، مهریه ای در بین نخواهد بود مگر آن که مرد دچار بیماری عنن باشد، که نوعی بیماری ناتوانی جنسی است، در این صورت نصف صدق به او تعلق می گیرد با مطرح شدن درخواست طلاق

دانستنی های حقوقی

نویسنده: سارا ایزدی و فاطمه رضایی

ممنوع بودن چند همسری در دین زرتشت

برای هر مرد زرتشتی بیش از یک زن و برای زن زرتشتی بیش از یک شوهر جایز نیست، مگر در صورتی که همسر او فوت کرده باشد یا طبق مقررات از هم جدا شده باشند.

ارث شوهر

در صورتی مرد فوت نماید و تنها وارث او همسرش باشد، زن تا یک چهارم اموال همسرش را به ارث می برد و بقیه اموال به نفع دولت ضبط خواهد شد.

خروج دختران مجرد از کشور

دختران مجرد بالای ۱۸ سال برای خروج از کشور به اجازه محضری پدر خود نیاز ندارند و می توانند به راحتی گذرنامه اش را دریافت نمایند. تنها دختران زیر ۱۸ سال نیاز به اجازه محضری از سوی پدر یا قیم قانونی خود دارند.

هوشیاری در تعیین مهریه

به زوج های جوان توصیه می شود که به هیچ وجه، پای مهریه های آنچنانی را امضا نکنند.

مهریه یعنی امضای سند بدهی به زوج و امضای مهریه بدون قید و شرط یعنی دادن چک سفید امضا به دیگری و خود و خانواده خود را گرفتار کردن! به جای این کار توصیه می شود که مهریه بطور متعارف و با قید و شرط تعیین شود. مثلاً قید شود که در سه سال اول ازدواج و یا قبل از هم خوابگی، زوج حق مطالبه مهریه را ندارد. با این کار، افرادی که به نیت گرفتن اموال زوج با آنان ازدواج می کنند و بعد از ازدواج، بدون آنکه حتی یک شب با زوج زندگی مشترک داشته باشند مهریه را به اجرا می گذارند، مانعی بر سر راه آنان گذاشته می شود.

متلک انداختن تفریح نیست، جرم است!

طبق ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی

هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

حق گرفتن نیست
حق دادنی نیست



حق دانستنی است!

شرط ضمن عقد به نداشتن فرزند

شرط ضمن عقد جلوگیری از داشتن فرزند اگر برای مدت محدود و مشخص باشد و جنبه سلب حق به طور کلی را نداشته باشد صحیح است اگر شرط به طور کلی باشد و برای مدت نامعلومی یا برای طول مدت زندگی، این شرط باطل بوده و بی اعتبار است ولی عقد را از اعتبار نمی اندازد.

اگر در محل کارتان به دلیل شرایط محیطی، دچار آسیب های جسمی مستمر (مانند عارضه دیسک کمر) گردید میتوانید خسارت خود را از کارفرما مطالبه نمایید!

در صورتی که شرایط محیطی محل کار شما و همچنین وظایف محوله به شما، ایجاب میکند که مثلاً ساعتها ایستاده کار کنید و یا مجبور باشید تا ساعتها بدون تحرک روی صندلی بنشینید، و یا در محیط آلوده ای باشید، بعد از مدت چند سال ممکن است به عوارضی همچون دیسک کمر، دیسک گردن، آرتروز، ساییدگی مچ دست، کم شنوایی، بیماری های ریوی و غیره دچار شوید! از آنجایی که مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی، کارفرما در مقابل خسارات وارده به پرسنل خود، مسئولیت تام و کامل دارد، فرد آسیب دیده میتواند جبران کلیه خسارات جسمی وارده را از محکمه حقوقی مطالبه نماید

دلالتی و حق العمل کاری

نویسنده فاطمه رضایی

مطابق ماده ۳۳۵ قانون تجارت، دلال کسی است که واسطه انجام معامله ای میشود و یا برای کسی که میخواهد معامله ای انجام دهد، طرف معامله پیدا میکند و برای انجام این کارها اجرت (دستمزد) دریافت میکند. نمونه بارز دلالان طبق تعریف قانون تجارت، مشاوران املاک هستند.

تکالیف قانونی دلال عبارت است از:

- مطلع کردن طرفین معامله از جزئیات معامله (حتی اگر دلالی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد، باید هر دو طرف را مطلع کند)
- نگهداری نمونه کالا

- امکان دلالی برای چند نفر بطور هم زمان تنها به شرط مطلع کردن همه آنها از این موضوع وجود دارد

- دلال مجاز به دریافت مبلغ معامله متعلق به طرفین، پرداخت بدهی معامله کنندگان و به اجرا گذاشتن تعهدات ایشان نیست، مگر این که در این سه مورد اجازه نامه مخصوص داشته باشد.

حق العمل کاری

حق العمل کاری نیز مانند دلالی از مشاغلی است که در قانون تجارت به رسمیت شناخته شده است. مواد ۳۵۷ به بعد قانون تجارت به بحث حق العمل کاری می پردازد.

مطابق ماده ۳۵۷ قانون تجارت، حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب شخص دیگر، معاملاتی انجام می دهد و در مقابل این کار، حق العمل یا همان اجرت دریافت میدارد.

تفاوت حق العمل کار با دلال

دلال به نام دیگران و به حساب آنان معامله می کند و تنها واسطه معامله است.

حق العمل کار، با این که به حساب دیگران معامله می کند و خودش سرمایه گذار نیست، اما خودش طرف معامله قرار میگیرد و معامله را انجام می دهد در نهایت، جوهی که از معامله به دست آورده و یا چیزی که از معامله حاصل شده را در اختیار آمر (کارفرما) می گذارد و از او تنها دستمزد می گیرد.

سنگسار ثریا میم

نویسنده حجت بنی اسدی

سرکلاس نشسته بودم با پرسش یکی از دانشجو ها از استاد به خودم امدم. پرسشش این بود که ایا حکم سنگینی مثل سنگسار هم اجرا شده یا خير؟

ذهنم به سوی یک فیلم بسیار جذاب رفت. در این فیلم ثریا دختری بیگناه بود که با نیرنگ پلیدی به سنگسار محکوم شد و برای از دست نرفتن جذابیت داستان بهتر است خودتان این فیلم عالی را تماشا کنید.

همیشه حقیقت در زیر لایه هایی از غرور و تعصب رنگ می بازد. باید مانند عروسی از چهره اش توری زیبای تزئینی را برداشت و با رونمایی از آن، به خود به دیدن چهره ی واقعی آن مبارک باد گفت؛ تازه اگر با بزرگ و دوزک لایه های دروغین دیگری روی آن را نگرفته باشد. سینمای تبلیغاتی معمولاً سینمای هنری نیست.

نمی خواهم بگویم که هنری بودن فیلم باعث می شود که تبلیغ ایده ای نیز در آن نباشد؛ نه، بلکه می خواهم بگویم که این کار از هر کسی ساخته نیست، و در باره ی هر موضوعی نیز نمی تواند موفق باشد. وگرنه فیلم هنری، کلاسیک و ماندگار بهترین راه تبلیغ هر عقیده و یا تبلیغ بر ضد هر عملی است. اما، فیلم «سنگسار ثریا میم» را که می دیدم، اولین فکری که به نظرم رسید بعد از این که ضعف های داستانی فیلم برجسته تر و برجسته تر می شد این بود که به همان اندازه که داستان فیلم افراد ساده لوحی را نشان می دهد که تحت تأثیر دیگران برای سنگساری ثریا سنگ برمی دارند، سازندگان این فیلم هم به دنبال مخاطبین ساده لوحی می گردند که بدون بررسی دقیق این اثر از نظر ادبی

و هنری، و نیز کند و کاو درموضوع آن از نظر اجتماعی، مذهبی و سیاسی، سنگ هایی را برای سنگسار کردن یک قانون و یا یک مذهب و یا ... به دست بگیرند. چون فیلم با ادعای مبتنی بودن بر ماجرای واقعی ساخته شده است، پس وجهه ای مستند گونه پیدا می کند که سنگی بسیار بزرگتر و دردناک تر و کشنده تر است. ماجرای فیلم این است که، مردی ظاهراً مذهبی، اما خبیث و شرور، که در ساختار قضایی و پلیسی ایران کار می کند برای این که همسرش، ثریا، را از سر راه خود بردارد تا بتواند با دختر جوانی ازدواج کند به او تهمت روابط نامشروع با فردی را می زند که در خانه ی او کار می کند. اکثر اهالی روستا می دانند که ثریا زن پاکدامنی است، ولی روحانی ده به دلیل نقاط ضعفی که دارد و از این مرد پنهان نیست، از او حمایت می کند. نقشه ی اول روحانی ده این بود که پس از طلاق ثریا از شوهرش، او را صیغه کند، اما با مخالفت ثریا و خاله اش تصمیم می گیرد به شوهر ثریا در نقشه ای که برای بدنامی او کشیده است شرکت کند. کدخدا نیز با آگاهی از نقشه ی روحانی و آن مرد، برای شرعی و قانونی کردن حکم مجازات فقط به دو شاهد مرد نیاز دارد؛ و وقتی که شاهد ها جور می شوند، مسئولیت شرعی خود را در دنیا انجام می دهد، و بدین ترتیب نشان می دهد که آخرت را فقط با توجیه شرعی اعمال خود و دیگران قابل دسترسی می داند. مردم با توجه به رأی محکمه سنگ به دست می گیرند و ثریا را سنگسار می کنند تا این که می میرد. خاله ی او که در

این روستای کوهپایه، انگلیسی هم بلد است، برای خبرنگاری فرانسوی که برای تعمیر ماشین اش در آنجا توقف کرده است، شرح ماجرا را تعریف و ضبط می کند، و خبرنگار نیز با وجود مخالفت ها و مقاومت های حاج آقا و دیگران برای خروج او از آبادی با مدارک مربوط به سنگساری ثریا از آبادی می گریزد تا بتواند داستان سنگساری ثریا را به صورت فیلمی که بینندگان دارند می بینند برای همه ی مردم جهان نمایش بدهد. هدف از بررسی این فیلم در این جا این نیست که بگویم چرا این فیلم سعی کرده است نشان بدهد که مجازات سنگساری درست نیست؛ بلکه باید بدانیم که طرحی که در داستان برای محکومیت این قانون نوشته شده است، دست کمی از طرحی که همسر ثریا و حاج آقا برای سنگساری ثریا ریخته اند ندارد. صحنه سازی های سازندگان فیلم درست مانند صحنه سازی های همسر ثریا و حاج آقا برای اثبات جرم او آبکی است.



پیاحقوق

شماره ی ۱۴

آبان ۱۴۰۱

دیکته شده است اجرا می کنند، و به هیچ وجه اجرای آن به معنی خشونت گرای و وحشی گری شان نیست. حتی یکی از آنها موشی را که یکی از اعدامی ها در اختیار او گذاشته که از آن مراقبت کند، در دوران پیری و بازنشستگی هم تحت مراقبت خود دارد. سؤال بزرگتر و مهم تری را که مخاطب فیلم «سنگسار میم ثریا» باید از خودش و سازندگان فیلم بپرسد این است که: چرا داستان را به گونه ای پیش نبرده اند که ثریا با مرد و مردانی واقعا رابطه نامشروع داشته باشد تا ذهن بینندگان با مجازات سنگساری در شرایطی که از نظر قانونی اتهام ثابت شده است قفلک داده شود؟ فیلمی که آنها ساخته اند در اصل دارد طرح و توطئه برای متهم جلوه دادن یک زن با عفت را محکوم می کند، نه مجازات سنگساری را. این گونه نمایش ممکن است که ذهن خیلی ها را قفلک بدهد، اما برای ذهن مخاطب حساس، آزاردهنده است. سؤال دیگر این است که اگر «حاج آقا» آدم خیلی خوب و با خدایی می بود، و شوهر ثریا هم آدم درستی بود و اصلا خباثت در او نبود، و مردم هم غارتگر و سودجو نبودند، چه؟ آن وقت سنگساری چطور در اثر به نمایش در می آمد و تأثیرگذار می شد؟ فیلم اگر می خواست بی طرف پیش برود باید نشان می داد که علیرغم درستی همه چیز، قانونی که درست نیست دارد اجرا می شود. در این فیلم تنها قانون نیست که نادرست است، همه چیز و همه کس جز یکی، دو نفر نادرست و غلط انداز است. فیلم برای این که قانونی را زیر سؤال ببرد نباید این چنین مانند خود حاج آقای داخل فیلم و شوهر ثریا، با طرح و توطئه و حواشی ذهن بینندگان را از موضوع اصلی منحرف کند، و کاری کند که با بزرگنمایی حاشیه ها افراد سنگ بزرگی را برای زدن به موضوع دیگری بردارند. این نوع پرداخت در فیلم، نوعی مغلطه

سنگسار کرده اند. همان طور که در فیلم مردم به صورت شخصیتی نشان داده می شوند که از یک سو آلت دست بزرگان روستا هستند و از سوی دیگر آلت دست سازندگان فیلم، در بیرون فیلم نیز مخاطبینی بوجود می آیند که ممکن است عجولانه آلت دست فیلم و سازندگان آن بشوند.

در همه جای دنیا، این گونه احکام مانند اعدام با صندلی الکتریکی و خودکشی اختیاری و ... با وسواس و تحقیقات زیاد انجام می شود، تا جایی که موارد موجود و اجرا شده انگشت شمار است. به عنوان مثال، روزنامه ها از اعدام با صندلی الکتریکی در یکی از ایالات آمریکا نوشته اند که آن هم تحت شرایطی پس از سالها اتفاق افتاده است. همه تا آنجا که ممکن است سعی می کنند که کار به اجرای چنین مجازاتی نکشد، به همین خاطر بررسی های لازم برای اثبات جرم موانع زیادی را بر سر راه قاضی قرار می دهد تا به حکم نهایی برسد. در فیلم «گرین مایلز» گروهی مسئول نشان دادن افرادی روی صندلی الکتریکی هستند تا آنها را به مجازات جنایاتی که مرتکب شده اند برسانند. در میان اعدامی ها فرد بی گناهی هم دیده می شود که نه تنها مسیحی معتقدی است، بلکه دم مسیحایی هم دارد! در هنگام اجرای حکم، مردم و افرادی که شاکی بوده اند در محل مجازات حاضر می شوند، و خیلی طبیعی، طوری که انگار در سالن تئاتر نشسته اند، اعدام مجرمین را تماشا می کنند. این فیلم آمریکایی بسیار هنرمندانه، بی طرفی و مهربانی مجریان قانون را نسبت به مجرمین، حتی شریک ترین آنها، نشان می دهد؛ و حتی نشان می دهد که چگونه اکثر آنها با کسی که از اعدام کردن دیگران با صندلی الکتریکی حتی با خشونت بیشتر لذت می برد برخورد می کنند. آنها نشان می دهند که فقط قانون را آن گونه که به آنان

مخاطبین باید پیش از برداشتن هر سنجی به سؤالاتی هم در زمینه ی داستان فیلم و هم در مورد موضوع شرعی و اجتماعی آن پاسخ دهند. مثلاً، چرا در فیلم در واقع موضوع اصلی خیانت زنی به شوهرش نیست، بلکه فیلم بیش تر روی توطئه ای متمرکز می شود که برای از سر راه برداشتن ثریا است تا شوهرش بتواند با دختر جوانی ازدواج کند؟ فیلم اگر می خواست خود قانون جاری در آن روستا را زیر سؤال ببرد، نباید روی مسائلی که به آن قانون ارتباط مستقیمی ندارد مانند طرح و توطئه و ریا کاری و ... تا این حد متمرکز می شد، طوری که خود این ها موضوع اصلی داستان بشوند. سازندگان فیلم شرایطی را فراهم نمی کنند که مخاطبین بتوانند در برابر اثری که بی طرفانه حادثه ای را به تصویر می کشد، بی طرفانه و با آگاهی داوری کنند. خوب، داستان این فیلم چگونه می توانست بی طرفی خود را نشان دهد؟ همیشه قانونی که غلط بنظر می رسد، به دست آدمهای شرّ و ریاکار و سودجو اجرا نمی شود. معمولاً قوانینی که برآمده از سنتی هستند و یا دیگر جای خود را در سرزمین و جامعه ای باز کرده اند، توسط آدمهای معمولی و حتی خوب هم اجرا می شوند. در خود فیلم نشان داده می شود که مجریان اصلی این قانون مردمند؛ و سنگ های آنها باعث مرگ ثریا می شود. پس، فیلم ابتدا مردم را مورد هدف قرار می دهد که چرا زیر بار چنین طرح و توطئه و حتی قانونی رفته اند. به همین دلیل، تصویری هم که از مردم در این اثر نشان داده می شود، تصویر مثبتی نیست؛ مثلاً می توان گفت که با نشان دادن مردمی که دارند خانه ی آدمی را که زنش مرده است غارت می کنند، سازندگان این فیلم، تمام اهالی یک روستا و یک مملکت را با تعصب و پیش داوری خود

کاری و سفسطه بازی است. ضعف فیلم در این است که چون با مقاصدی فرهنگی و سیاسی ساخته شده، روی تأثیر گذاری بیش از حقیقت نمایی و واقعیت نمایی در آن کار شده است. داستان با لحن اغراق آمیزی پیش می رود. جزئیات داستان با کل آن و نیز کل آن با برخی از جزئیات آن نمی خواند و در چهارچوب منطقی داستان سؤالات زیادی بی جواب می ماند. اگر یک تراژدی بخواهد با اغراق پیش برود، باید با چنان ظرافتی نوشته شود که از فیلم های شبه هندی فاصله بگیرد و به آثار کلاسیک نزدیک شود. کارکرد اغراق در آثار کمدی و

طنز با کارکرد آن در تراژدی ها تفاوتی دارد.

بیان حقوق

شماره ۴

آبان ۱۴۰۱

سازندگان «سنگسار ثریا میم» شاید مشغله های

سیاسی و

اجتماعی و

فرهنگی شان

خیلی بیش

تر از شکسپیر

است که طرح

داستان آنها

خیلی شلوغ تر

از «اتللو» شده

است. شاید فکر

می کنند که

شکسپیر باید

پیش شان لنگ بیاندازد. ممکن است بگوئید که اصلاً موضوع و درونمایه ی اثر شکسپیر با «سنگسار ثریا میم» فرق می کند. حرف اصلی من هم همین است؛ شکسپیر سفره ی کوچکی پهن می کند و به اندازه ی یک دنیا در مورد انسان حقیقت از آن بیرون می آید؛ در حالی که سازندگان این فیلم به ادعای خود فیلم سفره ای به اندازه ی یک دنیا

بین شان از بین رفته است و در کنار هم داستان کاملی را نمی توانند بسازند، هر چند، تک تک، ممکن است زیبا و تأثیر گذار باشند. عکس پدر ثریا و سنگ نزدن هاشم آقای مکانیک که عامل اصلی اثبات جرم ناکرده ی ثریاست و امید او برای راه افتادن ماشین خبرنگار و فرار او و ... به همین صورت در آلبوم این فیلم چیده شده است. سازندگان این فیلم در سادگی و ساده پسندی دست کمی از مردمی که در فیلم شان نمایش می دهند ندارند.

می خواهند پهن کنند که از آن به اندازه ی یک روستا هم نمی توان لقمه ی سبز حقیقت درست کرد. حرف من این است که چرا سازندگان فیلمی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مانند خاله زنک هایی که دور سفره ی سبزی پاک کنی درباره ی موضوعی مانند ماجرای ثریا حرف می زنند داستان را تعریف می کنند؛ هر کسی که دور سفره نشسته است یک چیزی می گوید یا می پراند که جدا از حرف های دیگران است؛ فقط برای سرگرمی سبزی پاک کن هاست. تصاویری در فیلم وجود دارد که مانند عکس های جدا از هم یک آلبوم پیوستگی



ازدواج بدون اذن پدر

نویسنده: مائده رضوی نژاد

در پاره‌ای از موارد دختر دوشیزه برای ازدواج نیازی به اذن پدر و یا جد پدری ندارد، که این موارد عبارتند از:

- در صورتی که دختر باکره نباشد
- در صورتی که دختر قبلاً شوهر کرده و شوهر او فوت کرده باشد یا طلاق گرفته باشد برای ازدواج‌های بعدی اش دیگر نیازی به اجازه پدرش ندارد.
- در صورتی که پدر دختر بدون دلیل یا با دلیل غیرموجهی به دخترش اجازه ازدواج ندهد، که در این شرایط بنابر ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند و پس از اخذ اجازه در دادگاه مدنی خاص با مراجعه به دفتر ازدواج نسبت به ثبت ازدواج خود اقدام کنند. در قانون قدیم دادگاه ۱۵ روز به پدر مهلت می‌داد تا به دادگاه بیاید و دلیل خود را بگوید، اما در قانون جدید این مهلت برداشته شد.

- در صورتی که پدر یا جد پدری در قید حیات نباشند اجازه مادر و مادر و بقیه اعضای خانواده شرط نیست و دختر دیگر نیازی به اجازه کسی برای ازدواج ندارد و باید کسب اجازه از دادگاه کند.

- به موجب ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی در صورتی که ولی دختر در دسترس نبوده و مسافر یا غایب یا در جنگ باشد دختر می‌تواند با مراجعه به دادگاه خانواده، و ارائه دادخواست و ذکر این نکته که علت غیبت پدرش چیست، از دادگاه اجازه ازدواج بگیرد.

- در صورتی که ولی محجور یا دیوانه باشد یا اینکه خود تحت قیمومیت اشخاص دیگر باشد حق دخالت در ازدواج دختر را ندارد و اجازه شخص

دیگر در ازدواج دختر لازم نخواهد بود.

- در صورتی که دختر پدر یا جد پدر نداشته باشد اما خودش بالغه باشد و صلاح و فساد خود را تشخیص دهد، اجازه خودش کافی است.

- در صورتی که دختر سی سال به بالا داشته باشد و به شرط هوشیاری فرد و توانایی تصمیم‌گیری و تشخیص مصلحت اجازه پدر لازم نیست.

- در صورتی که دختر باکرگی خود را به هر دلیلی غیر از ازدواج مثل بیماری، رابطه نامشروع، استفاده از شی خارجی عمداً و غیره بکارت زائل شده باشد دیگر نیازی به اجازه پدر در ازدواج را ندارد. چون شرط اجازه پدر باکره بودن دختر است.

- در صورتی که دختر برای ازدواج از پدرش اجازه گرفت و پدرش اذن ازدواج به او نداد اما پدر جدش اجازه داد دختر می‌تواند ازدواج کند.

- در صورتی که پدر سفیه باشد یعنی توانایی مدیریت مالی نداشته باشد و مال خود را در کارهای بیهوده صرف کند، اجازه او برای ازدواج دخترش ساقط می‌شود.

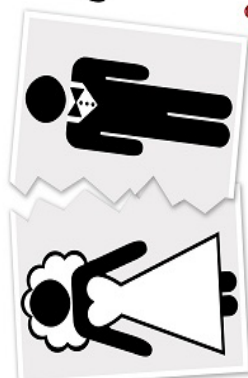
نکته قابل توجه این است که اذن پدر یا جد پدری قابل رجوع است یعنی پدر یا جد پدری می‌توانند پیش ازدواج تصمیم خود را تغییر دهد و امری را که اذن داده است، رد کند، اما در صورتی که دختر بدون اذن پدر یا جد پدری ازدواج کند عقد وی غیر نافذ است البته اشخاص مذکور می‌توانند با تنفیذ خود آن عقد را نافذ کنند در این صورت این اجازه دیگر قابل رجوع

نیست یعنی پدر یا جد پدری نمی‌تواند امری را که اجازه داده است، را رد کند.

اذن پدر در ازدواج دختر قابل واگذاری نیست. یعنی نمی‌تواند اختیار اجازه ازدواج را به شخص دیگری مثل عمو واگذار کند.



ازدواج بدون اجازه پدر



پی‌آحقوق

شماره ۴

آبان ۱۴۰۱

تعریف لغوی نفقه

نفقه به معنای (آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کنند، هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش) همچنین در تعریف دیگری آمده است: «مانفقت واستفقت علی العیال و نفسک»، یعنی آنچه برای خود و خانواده هزینه می شود.

تعریف اصطلاحی نفقه

تعاریفی که در فقه ارائه شده اغلب همراه با ذکر مصادیق می باشد. بدین جهت اکثر اختلاف ها به مصادیق برمی گردد.

مایحتاج زن از جمله غذا، البسه، مسکن، خادم و وسایل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد.

بعضی از فقها، مصادیق دیگری به آن اضافه نموده اند، همانند: «وسایل تنظیف و آرایش از جمله شانه، کرم، صابون و هزینه حمام در صورت نیاز».

آنچه زن بدان نیازمند است و در شأن چنین زنی در آن شهر است.

به نظر می رسد مفهوم نفقه یک مفهوم کاملاً عرفی است و شارع مقدس آن به عرف واگذار کرده است که عنصر زمان و مکان در آن نقش تعیین کننده ای دارد و قرآن کریم هم آن را تأیید می کند؛ زیرا تمام آیاتی که مسئله نفقه را مطرح می کنند، آن را حاله به عرف داده اند.

تعریف حقوقی نفقه

قانون مدنی تعریفی از نفقه ارائه نکرده است، بلکه فقط در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی مصادیق نفقه را به عنوان نمونه این گونه بیان نموده است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا

و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا.

اما در دکترین حقوق تعاریف چندی ارائه شده است. بعضی معتقدند: «چیزی که برای گذراندن زندگی لازم و مورد نیاز باشد».

برخی دیگر در تعریف جامع تری چنین آوردند: «نفقه تمام وسایلی که زن، با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود، بدان نیازمند است».

به نظر می رسد اگر عبارت «به طور متعارف» یا «عرف آن را به رسمیت بشناسد» به تعریف اخیر اضافه شود، این تعریف دقیق تر خواهد بود. زیرا همانند موردی که زن به علت وضع جسمی نیازمند هزینه غیرمتعارفی باشد، همانطور که برخی فقها ادعا کرده اند، دیگر نمی توان آن را جز نفقه محسوب نمود.

اقسام نفقه

نفقه معنای مطلق دارد که شامل انفاق بر زوجه، اولاد و نزدیکان می شود. در فقه و حقوق اسلامی بر اساس ماهیت و احکام متفاوت، دو نفقه وجود دارد:

نفقه زوجه: انفاقی که شوهر باید به همسر خود بپردازد.

نفقه اقارب: انفاقی که شخص در حالت نیازمندی والدین و فرزندان باید هزینه کند: در این نوشتار به بررسی ماهیت آثار، ویژگی و ضمانت اجرای نفقه زوجه پرداخته میشود و رابطه آن باتمکین و ریاست شوهر مورد بررسی قرار می گیرد



فیلم و صوت در اثبات دعاوی کیفری اعتبار دارند؟

نویسنده
مأذنه رضوی نژاد

یکی از موضوعات بسیار مهمی که در خصوص ادله اثبات دعوی کیفری وجود دارد، اعتبار یا عدم اعتبار فیلم یا صوت تهیه شده توسط شاکی است. همانطور که میدانیم ادله اثبات دعوا به موجب ماده صد و شصت قانون مجازات اسلامی شامل اقرار، شهادت، سوگند، قسامه و علم قاضی می باشد. آنچه مسلم است اینکه فیلم و صوت مشمول مصادیق چهار دسته نخست یعنی اقرار، شهادت، سوگند و قسامه نیست. تنها مصداقی که می توان فیلم و صوت را داخل آن نمود علم قاضی است. به موجب ماده دویست و یازده قانون فوق، «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.» آنچه در این ماده مهم است اینکه قانونگذار از دو واژه «یقین» و «مستندات بین» در متن ماده استفاده کرده؛ یعنی برای حصول علم قاضی اولاً «یقین» لازم است ثانیاً این یقین باید از «مستندات بین» حاصل شود. حال باید ببینیم که اول، آیا فیلم و صوت می تواند مستند بین محسوب شود؟ دوم اینکه این مستند بین می تواند یقین حاصل کند یا نه؟ اگر پاسخ این دو سوال مثبت باشد در این صورت می توان فیلم و صوت را منبع علم قاضی محسوب کرد و آن را داخل در ادله اثبات دعوی تلقی نمود در غیر این صورت پاسخ منفی است. جالب اینکه طبق ماده دویست و دوازده، اگر پای علم قاضی در میان بوده و با ادله قانونی دیگر (حتی اقرار!) در تعارض باشد، چنانچه علم، بین باقی بماند، آن

ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می کند. یعنی در اینجا علم قاضی بر ادله دیگر ارجحیت دارد پس اگر فیلم و صوت بتواند مستند علم قاضی قرار گیرد و برای او این حاصل کند حتی می تواند! شاه دلیل (یعنی اقرار) را کنار بزند در رویه قضایی بارها اتفاق افتاده که فرد از روی مصلحت اندیشی اقرار به ارتکاب جرم می کند اما شاکی به عنوان مدعی فرد دیگری را معرفی نموده و اصرار بر توجه اتهام به فرد دیگر غیر از مقرّ دارد! به عنوان مثال متهم اصلی از وضعیت مالی خوبی برخوردار است و فردی را که دارای حالت اعتیاد شدید بوده با پرداخت مبلغی به اقرار بر ارتکاب جرم تطمیع می نماید و فرد مذکور به جای متهم اصلی ارتکاب جرم را به دوش می گیرد. در اینجا ممکن است شاکی صوت یا فیلمی ارائه دهد که نشان دهنده اقرار غیر واقعی متهم باشد برخلاف عده ای که معتقدند فیلم و صوت به طور مطلق معتبر است یا معتبر نیست، از دیدگاه بنده اعتبار آن ها نسبی است. در اینجا سه فرض وجود دارد. در اینجا سه فرض وجود دارد. به طوری که اگر صحت آنها را بتوان با روشهای علمی، فنی و دقیق محرز نمود، مشروط بر اینکه قاضی در صحت آنها تردید نکند، در این صورت باید به آنها اعتبار داد. (فرض اول) اما اگر نادرستی آن برای قاضی محرز باشد، بدون تردید باید آن را کنار گذاشت (فرض دوم) در نهایت اگر صحت یا سقم آن برای قاضی مورد تردید واقع شود تا زمانی که نتوان اعتبار آن را به دست آورد، در این صورت نباید به

آن بها داد؛ چرا که در بیان تعریف علم قاضی به بین بودن مستندات تأکید نمودیم، و زمانی که در اعتبار فیلم و صوت تردید باشد دیگر عبارت «یقین حاصل از مستندات بین» که در ماده دویست و یازده ذکر شده حاصل نشده و از شمار ادله خارج می شود و اینجاست که نباید به آن اعتبار داده و مستند رأی قرار داد. نتیجه نهایی اینکه....

(یک) اگر صحت و درستی فیلم و صوت با روش های کارشناسی، علمی و فنی به طور دقیق محرز شود، یا (دو) محتوای آنها به گونه ای باشد که بدون نیاز به کارشناسی بتوان صحت آن را احراز نمود یا

(سه) وجود آنها موجب به وجود آمدن ادله ای دیگر مانند اقرار و شهادت شود، (مثلاً متهم با دیدن آن اقرار به ارتکاب جرم کند)؛ در سه حالت فوق باید فیلم و صوت را معتبر دانسته و از مستندات قابل اتکا به عنوان علم قاضی محسوب کرد. در چنین مواردی طبق قسمت دوم ماده فوق، «در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.» تبصره ی ماده نیز اشعار می دارد «مواردی از قبیل» نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و «سایر قرائن و امارات» که نوعاً علم آور باشند «میتواند» مستند علم قاضی قرار گیرد... «
پس فیلم و صوت مستقلاً دلیل اثبات ادعا نیست اما اگر سه شرط استنباطی فوق محقق شود، می تواند ابزار حصول «علم قاضی» به عنوان ادله اثبات تلقی گردد.

« وکیل پایه یک دادگستری یا کاسب پایه یک دادگستری »

«عنوان بررسی تأثیر قانون تسهیل صدور مجوز های کسب و کار بر شان و منزلت اجتماعی وکلا»

نویسنده سارا ایزدی



پیاحقوق

شماره ۱۴

آبان ۱۴۰۱

طرح تسهیل صدور برخی مجوز های کسب و کار تصویب شد. طرح تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب و کار در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۴۰۰ با ۲۰۲ رای موافق، ۲۷ رای مخالف، ۱۱ رای ممتنع از مجموع ۲۴۵ آرا مآخوذه تصویب شد. مجلس شورای اسلامی وارد بررسی جزئیات آن شدند. البته این طرح در روز ۲۳ شهریور بررسی شد ولی تصویب نشد و به روز بعد انتقال یافت. برخی می گویند احتمال دارد این تاخیر به علت تصمیم گیری احسان خاندوزی وزیر اقتصاد برای حضور در جلسه بررسی طرح بوده باشد.

نامه ای خطاب به ریاست محترم مجلس با موضوعیت تبعات و اثرات مخرب این طرح در حرفه وکالت دادگستری و حق دفاع مردم استاد دانشگاه در نامه ای را ۲۶۷ خطاب به ریاست محترم مجلس شورای اسلامی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ارسال نمودند. به بیان تبعات و اثرات مخرب این طرح در حرفه وکالت دادگستری و حق دفاع مردم پرداختند. از جمله اساتید برجسته و صاحب نام می توان به دکتر بیگدلی، دکتر

صفایی، دکتر ضیایی، دکتر اخلاقی، دکتر اردبیلی، دکتر آشوری، دکتر اسکینی، دکتر محبی و ... اشاره نمودند.

دید اقتصادی به بحث وکالت و قضاوت از پایه اشتباه است و منطق حاکم بر وکالت را منطق اقتصادی و فروش کالا و خدمات می پندارد و وکالت خدمت اجتماعی است با خدمت اقتصادی کاملاً متفاوت می باشد. که اثرات این دیدگاه باعث بهم ریختگی عرصه وکالت و دادرسی عادلانه می شود که صدمات زیانباری را به همراه خواهد داشت.

طبق تبصره الحاقی ماده ۶ طرح مذکور، کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده مکلفند داوطلبانی که حداقل هفتاد درصد امتیاز میانگین نمرات یک درصد حایزان بالاترین امتیاز را کسب می کنند به عنوان کارآموز بپذیرند.

به دلیل ضعف برنامه ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعداد بالایی دانش آموختگان حقوق وارد عرصه وکالت می شوند دیدگاه اصلی این طرح تلاش بر اشتغال زایی فارغ التحصیلان می باشد ولی طراحان به تبعات زیانبار این مصوبه توجه ننموده اند.

ورود بی رویه وکلا و بدون برنامه ریزی تبعات بالایی را خواهد داشت که اساتید که چند مورد آن را در نامه بیان نمودند: عدم دانش کافی فارغ التحصیلان حقوق به دلیل توسعه بی حد و حصر دانشکده های حقوق در سرتاسر کشور. عدم آموزش توسط کانون وکلا و قوه قضاییه به دلیل جذب ناصحیح. عدم نظارت لازم بر وکلای از نظر حرفه ای، نیازمند نظارت هستند. عدم وجود بحث انحصار زدایی برای جذب کارآموزان وکالت، عدم توجه به مبنا ضوابط خلاف اصول علمی، آموزشی و حرفه ای. ایجاد برداشت اشتباه برای عموم که با افزایش بی حساب و مبنای وکلای دادگستری، خدمات وکالت افزایش می یابد.

نامه را با این متن به پایان رساندند: در خاتمه تأکید می کنیم «تحقق عدالت»، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی اشخاص و اعتبار و منزلت دستگاه قضا در صحنه داخلی و بین المللی به عدم اجرای این طرح پیوند خورده است.

در ادامه و طرح تسهیل صدور مجوز کسب و کارها و متن نامه اساتید را برای شما قرار خواهیم داد.

متن نامه اساتید رشته حقوق درباره تبعات طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار:

به نام خدا

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی

نیازمند آموزش و از نظر حرفه ای، نیازمند نظارت هستند، به معضل فساد در سیستم قضایی دامن خواهد زد؛ فراوانی بی رویه تعداد وکلا، کمبود دانش، عدم نظارت لازم و دغدغه گذران زندگی دستگاه مجری عدالت را درگیر پدیده‌های شوم موسوم به «کارچاق‌کنی» و روابط ناسالم خواهد کرد که بر سلامت و قابلیت اعتماد نظام قضایی خدشه‌ای جدی وارد می‌کنند.

به علاوه فضای دادگستری و ظرفیت محدود دادگاهها نیز اجازه پذیرش شمار بالای کارآموز وکالت دادگستری جهت آموزش را نخواهد داد؛

رابعاً،

باتوجه به الزام قانونی کانون وکلای دادگستری به جذب کارآموزان وکالت به صورت سالیانه و تعیین ظرفیت در کمیسیون که اکثریت آن با نمایندگان قوه قضاییه می‌باشد، بحث انحصارزدایی منتفی است.

بدیهی است که در کمیسیون تعیین ظرفیت، امکانات قوه قضاییه در آموزش و زیرساخت‌های لازم در کانون وکلای دادگستری ملاحظه می‌شود و ضوابط خلاف اصول علمی، آموزشی و حرفه‌ای این طرح مبنا قرار نمی‌گیرد؛

خامساً،

نگاه اقتصادی به بحث وکالت و قضاوت که از اساس مفسده آمیز است، موجب این برداشت نادرست شده است که با افزایش بی حساب و مبنای وکلای دادگستری، خدمات وکالت افزایش می‌یابد.

این برداشت منطق حاکم بر وکالت را با منطق مسلط بر فروش کالاها و خدمات اقتصادی یکسان می‌داند، درحالیکه اساساً این دو خدمت عمومی اجتماعی با اقتصادی قیاس

حقوق است. متأسفانه به علت توسعه بی حد و حصر دانشکده های حقوق در سرتاسر کشور سالیانه حدود هشتاد هزار نفر وارد این رشته می‌شوند.

برای مثال دانش‌آموختگان یکی از مراکز دانشگاهی سه برابر تمام دانشگاههای کشور فرانسه است؛ کسانی که به جهت فقدان استاد و نظارت آموزشی و شرایط لازم، ممکن است با مقدمات حقوق نیز آشنا نباشند، ولی فارغ التحصیل حقوق محسوب می‌شوند.

حال، با این وضعیت دانش‌آموختگان حقوق نمی‌توان بدون دقت علمی و مناسب به افراد اجازه وکالت داد تا از جان، عرض و مال شهروندان دفاع کنند. لذا ملاحظه سود اقتصادی و نادیده گرفتن زیان های گزاف معنوی و اعتباری با هیچ استدلالی قابل توجیه نیست.

ثانیاً،

پس از پذیرش افراد در آزمون جذب کارآموز وکالت دادگستری، آموزش و نظارت امری ضروری است؛ روش جذب ناصحیح اساساً آموزش در کانون وکلا و قوه قضاییه را غیرممکن می‌سازد که ظاهراً مورد ملاحظه واستعلام قرار نگرفت؛ چراکه انتظار آن خواهد بود که کانونهای وکلای دادگستری به اندازه دانشگاه‌های کشور توان آموزش داشته باشند.

نکته مهم و شایان توجه دیگر آن است که عملکرد وکیل باید تحت نظارت قرار گیرد. متأسفانه امروز که نبود نظارت بر مؤسسات غیرمجاز حقوقی دامنگیر مردم و تضییع حقوق آنها و گسترش واسطه‌گری شده است نباید اجازه داد این بحران بر عرصه وکالت هم حاکم شود؛

ثالثاً،

افزایش وکلایی که از لحاظ علمی

با سلام

همان گونه که مستحضرید طرح «تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب و کار» که کلیات آن در کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید و نظارت بر اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی تصویب شده است، در این هفته در صحن علنی مجلس شورای اسلامی در دستور کار قرار خواهد گرفت. بر اساس تبصره ۱ ماده ۶ طرح مذکور، تبصره ذیل ماده ۱ «قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶ اصلاح و یک تبصره بدان افزوده می‌شود.

بر اساس تبصره الحاقی، کانون وکلای دادگستری و مرکز امور مشاوران و وکلای قوه قضاییه مکلف خواهند شد داوطلبانی که حداقل هفتاد درصد امتیاز میانگین نمرات یک درصد حایزان بالاترین امتیاز را کسب می‌کنند به عنوان کارآموز بپذیرند.

رویکرد اقتصادی حاکم بر کمیسیون و تلاش برای اشتغال‌زایی فارغ‌التحصیلان باعث شده است که طراحان به تبعات غیر قابل جبران این مصوبه بر ساختار قضایی کشور و اصل دادرسی منصفانه بی‌توجه باشند.

تصویب این تبصره به معنای آن است که باتوجه به تعداد بسیار زیاد دانش‌آموختگان حقوق، که ناشی از ضعف برنامه ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، سالیانه هزاران نفر بدون داشتن حداقل شرایط لازم علمی و آموزشی، وارد عرصه وکالت و دفاع از حقوق مردم شوند.

این ورود بی رویه و بدون مبنا آثار و تبعات سنگینی بر جای خواهد گذاشت که ذیلاً به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

اولاً،

شرط اولیه وکالت داشتن حداقل دانش

ناپذیرند و افراد در مراجعه به وکیل به مؤلفه هایی توجه می کنند که در خصوص خرید کالا بدان توجه ندارند.

حاکمیت این نگاه موجب میشود باتوجه به عدم اطلاع مردم در تمییز خدمت تخصصی وکالت، با خطرات جبران ناپذیری مواجه شوند. به ویژه آنکه هم اکنون نیز انحصاری وجود ندارد؛ اگر انحصاری وجود داشت، نباید با پدیده وکلای بیکار و یا عدم تمديد گسترده پروانه مواجه می شدند.

به هم ریختگی عرصه وکالت، دادرسی منصفانه و اجرای عدالت را درگیر چالش و صدمات غیر قابل جبران می سازد که اساساً با این نگاه اقتصادی، بحران مزبور اجتناب ناپذیر خواهد بود

اینجانبان، جمعی از استادان دانشکده های حقوق دانشگاه های کشور که درباره رعایت حقوق شهروندان و ضرورت تحقق دادرسی عادلانه با حضور وکلای دارای صلاحیت که نهایتاً تأمین کننده منافع ملی و مصلحت نظام به شمار می رود، دغدغه مند هستیم و درباره عدم توجه به نصاب علمی مناسب جهت ورود به عرصه وکالت و پیامدهای حقوقی اجتماعی چنین رویکرد اقتصادی بر این امر مهم مدنی و اجتماعی هشدار می دهیم و از ریاست مجلس و نمایندگان محترم انتظار داریم با استفاده از نظر نخبگان از تحقق فاجعه حقوقی جلوگیری کنند و نگذارند با ادعای شکستن انحصار، فساد و ناکارآمدی و کارچاق کنی گریبان گیر دستگاه قضا شود و حقوق ملت تحت الشعاع اهداف اقتصادی طراحان قرار گیرد.

در خاتمه تأکید می کنیم «تحقق عدالت»، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی اشخاص و اعتبار و منزلت دستگاه قضا

در صحنه داخلی و بین المللی به عدم اجرای این طرح پیوند خورده است.

تعیین ضابطه هایی همچون نصاب شناور که سابقه ای در نظام های حقوقی جهان ندارد و با تبعات مذکور به اعتماد مردم و اعتبار و جایگاه بین المللی این نظام حقوقی لطمه جدی خواهد زد. به علاوه اجرای این طرح نه تنها لطماتی سنگین به «حقوق ملت» وارد می نماید، بلکه به دلیل نادیده انگاشتن رکن اصلی دادرسی منصفانه کشور را از مسیر توسعه پایدار خارج خواهد کرد. (در پایان هم اسامی امضاکنندگان نامه درج گردیده)

مضرات معیار ظرفیت گذاری

هرساله ظرفیت هر استان توسط کمیسیون سه نفره تعیین می شود. اما مشخص است که در صورت ضعیف بودن همه شرکت کنندگان باز هم تعدادی در آزمون پذیرفته می شوند. پس چنانچه متولیان صنف وکالت، با پذیرش افراد ضعیف مخالف هستند، باید به این سؤال پاسخ دهند که پس چرا در طول بیست سال گذشته هیچ اقدامی در جهت جلوگیری از این نقطه ضعف نداشته اند.

از سوی دیگر اقدام اخیر قوه قضاییه در تعیین حداقل نمره قبولی ۶۰٪، نیز مورد اعتراض وکلا قرار گرفته است! هرچند که این اقدام با توجه به مطالب اخیر اقدامی غلط بوده و فقط شرایط را بغرنج تر خواهند نمود، اما به دلیل اینکه در راستای تأمین منافع متولیان صنف وکالت بوده، انتظار می رفت که مورد استقبال آنها قرار بگیرد.

ممکن است برخی از داوطلبین که در یک سال در آزمون شرکت کرده اند به دلیل اینکه نتوانسته اند در ظرفیت اعلامی قرار بگیرند، پذیرفته نشوند

درحالی که اگر یک سال زودتر یا یک سال دیرتر در آزمون شرکت می کردند پذیرفته می شدند. برای مثال در سال ۱۳۹۵، ظرفیت کانون وکلای مرکز ۶۰۰ نفر اعلام شد، بنابراین اگر داوطلبی در آزمون آن سال رتبه ۷۰۰ را کسب کرده باشد، پذیرفته نشده است. حال در همین کانون در سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ ظرفیت به ترتیب ۱۲۰۰ و ۱۱۰۰ نفر اعلام شد و این یعنی اگر داوطلب سال شرکت در آزمون را کمی هوشمندانه تر انتخاب می کرد به راحتی پذیرفته می شد!

چند سالی است که آزمون به طور هماهنگ و با سؤالات یکسان توسط اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری برگزار می شود. حال اگر داوطلبی کانون وکلای موردنظرش را با کمی هوشمندی انتخاب کند راحت تر می تواند قبول شود و در صورتی انتخاب غلط، به این موفقیت دست نخواهد یافت.

با توجه به تمامی این تفاسیر به نظر می رسد که بهترین معیار ممکن در شرایط فعلی که طراحی سؤالات، اعلام نتایج و سایر مراحل تکمیلی، همگی به متولیان صنف وکالت که دارای تعارض منافع هستند، سپرده شده، حدنصاب شناور است. اما چنانچه حالت مطلوب در نظر گرفته شود، تنها با سلب صلاحیت اعطای پروانه وکالت از های وکلا و واگذاری این اختیار کانون به حاکمیت، می توان نمره ثابتی را به عنوان معیار پذیرش منظور نمود.